

آموزش يك طرفه

ممنوع

■ اعظم لاریجانی



■ زهرا رضایی کارشناس آموزش ابتدایی از دانشگاه فرهنگیان است. ۱۴ سال است آموزگار است. ۱۲ سال از این دوره را در مدرسه‌های روستایی سپری کرده است. اکنون آموزگار پایه چهارم دبستان هیئت‌امانی محدثه در شهرستان بیرجند است. از همان کودکی شوق معلمی را در دل پروراند و در هیچ انشایی نبوده که شغلی غیر از معلمی را برای آینده خود بخواهد و بنگارد. او در پرونده کاری خود آموزگاری پایه‌های گوناگون، مدیر آموزگاری و آموزگاری چندپایه را دارد. در این سال‌ها سعی کرده است از روش‌های سنتی تدریس فاصله بگیرد. در جشنواره تجربه برتر استان از ماحصل تجربه‌های سال‌های تدریس او تقدیر شده است. به این بهانه مجله رشد معلم گفت‌وگویی با این معلم نوآور انجام داده است که می‌خوانید.

معلمی را چگونه تعریف می‌کنید؟

■ به نظر من معلم انسان‌ساز است؛ کسی که باید بچه‌ها را به سمتی هدایت کند که بتوانند شهروندانی خوب، انسان‌هایی متعهد و متدین باشند.

■ مثلاً در درس هدیه‌های آسمانی، در درس مربوط به سراینداری، با مقوا میکروفن درست کردم و با سرایدار مصاحبه کردم و از همکاری خواستم از ما فیلم بگیرد. بعد، با استفاده از نرم‌افزار و ویدئو پروژکشن، فیلم را روی درس مربوطه انداختم. بچه‌ها دیدند فضای مدرسه خودشان و سرایدار خودشان در فیلم است. بنابراین حرف‌های او تأثیرگذارتر بود و بعد از آن بچه‌ها سعی کردند کمتر آشغال بریزند تا کمک‌حال سرایدار باشند.

روش شما برای هدایت دانش‌آموزان چیست؟

■ وقتی خودم دانش‌آموز بودم، از اینکه فقط شنونده باشم، راضی نبودم. کلاس برایم خیلی خسته‌کننده بود و لحظه‌شماری می‌کردم زنگ تفریح شود. الان دوست ندارم دانش‌آموزان من این حس را داشته باشند. دلم می‌خواهد همان قدر که من از بودن در کلاس و دیدن روی آن‌ها و شنیدن صدایشان لذت می‌برم، آن‌ها هم از حضور من لذت ببرند و با شوق و علاقه در کلاس حاضر باشند. بنابراین، سعی می‌کنم هر روز با ایده و فکری جدید وارد کلاس شوم. سعی می‌کنم روش‌ها تکراری نباشند و برای هر درسی روش خاصی ارائه کنم. روش تدریس جدید در هر روز دانش‌آموزان را به وجد می‌آورد. هدف من هم همین است که در کنار آموزش، دانش‌آموزانم خوشحال باشند و روحیه مثبت در آن‌ها پرورش یابد. برای این هدف از راه‌های گوناگون عمل می‌کنم. گاهی با بازی و قصه به این هدف نزدیک می‌شوم و گاهی با بچه‌ها به بیرون از مدرسه می‌رویم و گاهی هم به منزل یکی از آن‌ها و دیدار خانواده‌هایشان. کلاس فقط آن چهاردیواری نیست که نیمکت‌ها در آن چیده شده‌اند. هر جایی که بچه‌ها بتوانند مشتاق آموزش باشند و بیاموزند، آنجا کلاس است.

ایده این گونه تدریس چه وقتی به ذهن شما رسید و چگونه شروع کردید؟

■ تدریس من مختص مکان خاصی نیست و از روش‌های سنتی فاصله گرفته است. همواره سعی کرده‌ام با اولیای دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنم و مشکلاتشان را درک کنم. و این میسر نمی‌شود مگر اینکه وقت زیادی بگذارم. به این ترتیب، خیلی زود با روحیه دانش‌آموزان آشنا می‌شوم و مطابق با موضوع درسی و روحیه آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنم.

فراتر از آموزش يك درس با ارائه يك برنامه در هر روز، این روش چه تأثیر دیگری روی دانش‌آموزان دارد؟

■ هدف از آموزش، فقط سواد یا آموختن علم نیست. بلکه در کنار آن، تغییر نگاه و تفکر دانش‌آموزان مطرح است. آموزگار باید



کمک می‌گرفتم تا بتوانم با نرم‌افزاری کار کنم. به هر حال، سعی کردم باز هم بتوانم روش‌های متعددی را در آموزش‌م بیازمایم. مثلاً در درس ریاضی وانمود می‌کردم من هم اشتباه می‌کنم. مثلاً در ویدئویی که تهیه کرده بودم، جواب یک ضرب یا جمع را اشتباه می‌گفتم و به بچه‌ها می‌گفتم من در این ویدئو یک اشتباه دارم. آن را بررسی کنید و به من تذکر دهید. این باعث می‌شد بچه‌ها دوباره ویدئو را ببینند و درس برایشان مرور شود. از طرف دیگر، وقتی ببینند معلم هم دچار خطا می‌شود، استرس آن‌ها از بین می‌رود.

چگونه در تدریس مجازی آموزش را از حالت یک‌طرفه خارج می‌کنید و بچه‌ها را نیز مشارکت می‌دهید.

من به‌طور مرتب حضور بچه‌ها را چک می‌کنم. گاهی یکی را انتخاب می‌کنم و می‌گویم فردا فلان مطلب را تو تدریس کن. او به کمک من آماده می‌شود. درس را می‌گوید و فیلم می‌گیرد و در گروه می‌گذارد. یا مثلاً از آن‌ها می‌خواستم ورزش کنند و فیلم آن را برای من بفرستند. معماً طرح می‌کردم تا در زنگ تفریح جوابش را پیدا کنند. داستانی را می‌خواندم و می‌خواستم نتیجه آن را بعد از زنگ تفریح برای من بگویند. این فضا رقابت مثبتی بین آن‌ها ایجاد می‌کند. من چهار یا پنج ساعت برای درست کردن کلیپ‌های آموزشی وقت می‌گذارم.

شیرین‌ترین خاطره

خاطرات شیرین زیادی دارم. مثلاً یک روز در روستایی در پایه اول درس می‌دادم. یکی از دانش‌آموزان خیلی گوشه‌گیر و ساکت بود. می‌دانستم پدرش فوت کرده است. روزی به بچه‌ها گفتم امروز درس هدیه‌های آسمانی را در منزل فاطمه برگزار می‌کنیم. یک عروسک برای هدیه گرفتیم و همراه بچه‌ها به خانه‌شان رفتیم. در چادر زندگی می‌کردند. آن روز کلاس در چادر آن‌ها برگزار شد. خیلی خوشحال شده بود؛ هم از حضور ما در چادرشان و هم بابت عروسک. از آن پس خیلی بیشتر به درس علاقه‌مند شد و یک روز حرفی زد که خیلی روی من تأثیر گذاشت: «خانم می‌تونم به شما هم بگم مادر؟»

تلاش کند در دل دانش‌آموز نفوذ کند و بتواند به او یاد بدهد چگونه نگاه کند.

این نوع تدریس چه تأثیری بر فرایند آموزش دارد؟

از یک طرف، علاوه بر افزایش انگیزه دانش‌آموزان، یادگیری آن‌ها نیز بهتر می‌شود. از طرف دیگر، خود من هم مقید می‌شوم همیشه به روز باشم و با روش‌های بهتر و جدیدتر سر کلاس حاضر شوم.

چالش‌هایی که با آن‌ها مواجه شدید چه بودند؟

بعضی از همکاران من معتقدند این روش بر انتظارات والدین می‌افزاید. از طرف دیگر، ممکن است در جای دیگری مدیر از این روش استقبال نکند و امکانات لازم را در اختیار معلم قرار ندهد. البته من چنین مشکلی نداشتم.

برای یادگیری بهتر چگونه دانش‌آموزان را هدایت می‌کنید.

برای یادگیری بهتر و کامل‌تر لازم است دانش‌آموز را از استرس و نگرانی دور کنیم تا ذهنش بر مطلب درسی متمرکز شود. استفاده از داستان و بازی راه خوبی است و کمک می‌کند بچه‌ها تشویق شوند؛ چرا که مطلب جذاب‌تر و یادگیری مؤثرتر خواهد شد. نکته دیگر، آگاهی از مسائل خانوادگی آن‌هاست که شناخت بهتر دانش‌آموزان، به معلم کمک می‌کند روش تدریس مناسب آن‌ها را برگزیند.

در دوره آموزش مجازی برنامه شما چیست و چگونه به روش مورد نظرتان پای‌بند می‌مانید.

از آنجا که من قبل از شیوع کرونا هم سعی می‌کردم از روش‌های جدید آموزشی مثل تهیه کلیپ و نرم‌افزارهای مرتبط استفاده کنم، مشکل زیادی نداشتم. در شروع کار نمی‌خواستم فقط به‌صورت صوتی یا ارائه پی‌دی‌اف درس‌ها را تدریس کنم. بنابراین شروع کردم به جست‌وجو و نرم‌افزارهای مرتبط را پیدا کردم. گاهی لازم می‌شد از بعضی دانشجویان

